

فرعون و هامان در اسلام

هادی شریفی
یاس کبود
غنیچه



در بخشی از متن این کتاب می خوانیم:

همه می دانستند که مقامی که معاویه چنگ زده بود، در حد او نیست و او بسیار پست تر از آن است و حتی خود معاویه نیز به پسرش یزید این را می گفت که البته این حق از آن حسن است و همه ی افرادی که امام حسن(علیه السلام) را شناخته بودند و گرد معاویه جمع شده بود: مانند عمروعاص بارها و بارها گفته بودند که حسن (علیه السلام) از معاویه به خلافت سزاوار تر است.

اما چه می شود کرد که دندان طمع معاویه برای آن گرد شده بود و به قول خودش هیچ لذتی از دنیا نمانده بود که بدان دست نینداخته باشد و مزه ی آن را نچشیده باشد و اکنون فکر حکومت بر ممالک اسلامی او را دیوانه ساخته بود...

فرعون و هامان در اسلام



نویسنده توطئه‌های معاویه که منجر شد طی یک صلح اجباری

امام حسن(ع) از صحنه قدرت خارج شده و حکومت سراسر فساد

وی گسترش یابد را مورد شرح و بررسی قرار داده و عدم انجام

مفاد صلح‌نامه توسط معاویه را تشریح نموده است. نگارنده به

توصیف شخصیت منفی معاویه بن ابی سفیان و خلاصه‌ای از

زندگی وی اشاره کرده و عدم اسلام آوردن واقعی وی، دشمنی

فراوان او با امام علی(ع) و امام حسن مجتبی(ع) و عملکرد ضد

دینی وی در طول دوران حکومت خویش را توضیح داده است.



واحد پوهش مدرسه علمیه فاطمه

الزهراء سلام الله علیها

حاء سین نون



حاء سین نون عنوان

اثری بدیع از علی

شجاعی :

پیکره اصلی کتاب که

همانا فهرست اثر است

بر مبنای این حدیث از

حضرت خاتم بنا شده که فرمودند: حسن منی و انا

من حسن . در واقع آغاز هر فصل به ترتیب همچون

مشاعره‌ای زیبا با هر حرف از حدیث شریف است به

گونه‌ای که در نهایت با کنار هم قرار دادن حروف

این اثر تلاش آغازین عبارت مذکور نقش می‌بندد.

می‌کند تا جریان صلح امام حسن(ع) را با عنایت به

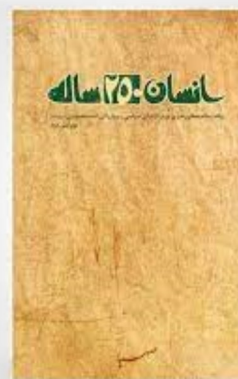
ابعاد عملیاتی جبهه معاویه تبیین و محورهای

بدیعی از پیروزی امام حسن(ع) را ضمن شرح

مظلومیت آن امام بزرگوار نشان دهد

انسان ۲۵۰ ساله

عنوان اثری از سید علی حسینی خامنه ای
است و بیش از آنکه یک کتاب تاریخی صرف
باشد باشد



یک کتاب فراتحلیل تاریخی از زندگی
مجاهدانه و اهداف والای ائمه علیهم السلام با
نگاهی کل گرا به هر یک از معصومین علیهم
السلام است از جمله امام حسن مجتبی علیه
السلام.

در قسمتی از کتاب در قصر
تنهایی - حماسه صلح امام حسن
علیه السلام می خوانیم: «نزدیک
اذان ظهر می شود. ناکهان صدای
صلوات بلند می شود. شوری در
جمعیت می افتد. آنجا را نگاه
کن. امام حسن(ع) همراه امام
حسین(ع) و برادران دیگر خود
از خانه بیرون می آیند و به
سوی مسجد می روند. آری
سرانجام انتظار به سر آمد. بیا
ما هم هود را به مسجد
برسانیم.»

